

## عین‌القضات همدانی و پسا ساختارگرایی با تأکید بر مفاهیم قرآنی و عرفانی در آثار هنری

### چکیده

عین‌القضات همدانی، عارف برجسته ایرانی (قرن ششم ه.ق) در همدان متولد شد و در همان شهر در (۵۲۵ ه.ق) به جرم ارتداد به قتل رسید. عین‌القضات، اندیشمندی بلندمرتبه و بی‌باک بود که مورد رشک و حسد دشمنان قرار گرفت. یکی از آثار برجسته او تمهیدات است که اندیشه‌های ژرفش در آن منعکس شده است. امروزه یکی از نظریات برجسته، پسا ساختارگرایی است. نقد شالوده‌شکنانه دریدا در تقابل با فلسفه‌های غالب غرب معنا می‌شود. دریدا نفی متافیزیک حضور و نفی تقابل‌های دوگانه، نفی لوگوس محوری و مرکز محوری را در تعریف اصلی شالود ه‌شکنی قرار می‌دهد. در این دیدگاه، اگرچه دریدا از نفی کلام محوری در مقابل نوشتار، غیاب در تقابل با حضور، حقیقت در تقابل با مجاز و ... سخن می‌گوید، اما هدف او این نیست که نوشتار را بر گفتار، مجاز را بر حقیقت یا غیاب را بر حضور ترجیح دهد؛ بلکه معتقد است که متن می‌تواند با نفی مؤلفه‌های متافیزیکی به معانی تازه و متعددی دست یابد. در این پژوهش، براساس روش توصیفی- تحلیلی، برخی از این خصیصه‌های شالوده‌شکنی مانند نفی تعریف واحد حقیقت و نفی حقیقت در مقابل مجاز، مرگ مؤلف، ایدئولوژی غالب متن از طریق نفی تقابل‌ها و ارزش‌ها مانند نفی تقابل ابلیس در مقابل حضرت محمد(ص)، نفی کفر در مقابل ایمان... را مورد بررسی قرار داده‌ایم. این مفاهیم قرآنی در آثار هنری نیز منعکس شده است.

### اهداف پژوهش:

۱. بازشناسی اندیشه‌های عین‌القضات همدانی و پسا ساختارگرایی.
۲. مطالعه تطبیقی اندیشه‌های عین‌القضات همدانی و پسا ساختارگرایی با تأکید بر مفاهیم عرفانی در آثار هنری.

### سؤالات پژوهش:

۱. مختصات اندیشه عین‌القضات همدانی و دریدا چیست؟
۲. مختصات اندیشه عین‌القضات همدانی و پسا ساختارگرایی با تأکید بر مفاهیم عرفانی در آثار هنری چگونه است؟

**کلیدواژه‌ها:** عین‌القضات همدانی، پسا ساختارگرایی، مفاهیم قرآنی، آثار هنری.

## مقدمه

بررسی نظام‌های فکری در جهان اسلام حاکی از وجود اندیشمندانی بزرگ در این عرصه است. اندیشمندانی که بررسی ساختارهای فکری آنها نشان‌دهنده عمق اندیشه آنها است؛ اندیشه‌هایی که گاه تا عصر حاضر و در قالب نظریات فلسفی جدید تداوم یافته‌اند. عین‌القضات همدانی، فیلسوف قرن ششم از جمله اندیشمندانی است که انگاره‌های فکری وی قابل تعمیم به عصر حاضر است. شالوده‌شکنی که با نام ژاک دریدا (۱۹۳۰-۲۰۰۴) پیوند جدایی‌ناپذیری خورده است، یک مکتب فلسفی است که در اواخر دهه ۶۰ میلادی در پاسخ به جریان‌های فلسفی و نظری غرب و به قصد متزلزل کردن اصول و پایه‌های آن در فرانسه شکل گرفت. این جریان فکری از طریق مرکززدایی، فروپاشی ساختارهای مفروض و واژگونی ساختارهای مسلط فکری و فلسفی، بسیاری از مفاهیم ثابت شده، قطعیت‌ها و پیش‌فرض‌های پذیرفته شده را متزلزل کرد.

بررسی پیشینه پژوهش حاضر نشان می‌دهد تاکنون اثر مستقلی با این عنوان به رشته تحریر درنیامده است. با این حال آثار متعددی به بررسی اندیشه عین‌القضات پرداخته‌اند. مدرسی، فاطمه و همکاران (۱۳۹۰)، در مقاله‌ای با عنوان: «شطحیات عین‌القضات»، به بررسی مختصات شحطیحات عین‌القضات است. فدوی، صبا و حمزئیان (۱۳۹۸)، در مقاله‌ای با عنوان «مبانی هستی‌شناسی عین‌القضات همدانی»، به بررسی بنیادی آثار و اندیشه‌های عین‌القضات پرداخته‌اند. اسداللهی، خدابخش (۱۳۸۸)، در مقاله‌ای با عنوان «اندیشه‌های عرفانی عین‌القضات در باب ابلیس»، به دفاع از رفتارهای ابلیس می‌پردازد. میرزایی، نرجس خاتون و نوروزپور (۱۳۹۷)، در مقاله‌ای با عنوان: «تأویل آیات قرآن در تمهیدات»، به بررسی تأویل‌های قرآنی عین‌القضات در تمهیدات پرداخته است. در خصوص این موضوع رساله‌های مرتب‌شده که نوشته شده است: پارساپور، زهرا (۱۳۷۶)، در پایان‌نامه‌ای با عنوان: «تأویلات عرفانی در آثار عین‌القضات همدانی»، در دانشگاه شهید بهشتی، به این موضوع پرداخته است. این پایان‌نامه گرچه در ظاهر به موضوع حاضر، بسیار نزدیک است؛ اما در واقع، پارساپور به بیان تفاوت‌های تأویل از دیدگاه عین‌القضات همدانی با اندیشمندان غربی پرداخته است. در این اثر، متون عین‌القضات، از نظر مباحث هرمنوتیکی تأویل مورد پژوهش قرار نگرفته است. صالحی مرزبجرائی، الهه (۱۳۸۹)، در پایان‌نامه‌ای با عنوان: «تحلیل عرفانی تمهیدات عین‌القضات»، نیز به‌طور کلی مباحث عرفانی در کتاب تمهیدات را بررسی کرده است. با این تفاسیر در پژوهش حاضر به روش توصیفی و تحلیلی به این موضوع بپردازد.

## نتیجه‌گیری

شالوده‌شکنی دریدا در تقابل با فلسفه افلاطونی و گفتمان‌های غالب غرب مانند نفی متافیزیک حضور، لوگوس‌محوری، نفی تقابل‌های دوگانه است. دریدا مهم‌ترین دلیل نفی متافیزیک حضور را مانع از تکثر معنایی و کشف معانی تازه و متعدد از طرف خواننده می‌داند و پایه‌های شالوده‌شکنی را در نفی همین انگاره‌های متافیزیکی قرار می‌دهد. اما دریدا هدف دریدا از نفی کلام‌محوری در مقابل نوشتار، غیاب در تقابل با حضور، حقیقت در تقابل با مجاز و ...، هرگز این نیست که نوشتار را بر گفتار، مجاز را بر حقیقت یا غیاب را بر حضور ترجیح دهد، بلکه می‌خواهد تکثر معنایی را در خدشه‌دار کردن این انگاره‌های متافیزیکی بازسازی کند و به معناهای تازه از متن دست یابد. آنچه ما با توجه به نمونه‌های شایان ذکر در از کتاب تمهیدات عین‌القضات همدانی به دست آورده‌ایم، نشان می‌دهد که این متن با مختصات شالوده‌شکنی و نفی متافیزیک حضور قابل بررسی است. مهم‌ترین انگاره‌ایی که در بحث متافیزیک حضور مطرح است، تعریف حقیقت. عین‌القضات، جوهر حقیقت را غیرقابل تعریف ثابت می‌داند. او معتقد است که حقیقت در هاله‌ای از مجازها فرو رفته است. حقیقت را حضرت حق تعالی در پشت حیل و مکرری به نام تمثیل پنهان کرده است. تمثیل، در نگاه عین‌القضات همدانی، یکی از مهم‌ترین مؤلفه‌های تکثر حقیقت است؛ زیرا در تمثیل، حقیقت، هر لحظه به شکلی و در جلوه‌ای نمود پیدا می‌کند. حقیقت به صورت محض، در پرده و حجاب همیشگی باقی می‌ماند اما تجلی حقیقت به صورت عناصر عالم هستی در عالم کثرات به صورت‌های مختلف و در هزاران صورت و نقش دیده می‌شود. از طرفی تمام این هزاران هزار نقش و صورت، عین حقیقت نیستند و در واقع، مجاز حقیقت هستند. به عنوان مثال، ابلیس، حقیقتی که می‌تواند انسان‌ها را گمراه کند، نیست، بلکه مجاز است. همچنان که حضرت رسول (ص) حقیقتی که انسان‌ها را هدایت می‌کند، نیست، بلکه مجاز حقیقت است. عین‌القضات این دو قطب (حضرت ختمی مرتبت و ابلیس) عالم امکان را مجازی برای هدایت و ضلالت انسان‌ها توسط حضرت حق تعالی می‌داند که از سویی نیز خود حق تعالی در پوشش و پرده‌ای از همین مجازها فرو رفته است. همان‌طور که دیده می‌شود، ما در کتاب تمهیدات با دال‌های متعددی روبه‌رو هستیم که سبب تکثیر مداوم معنا از حقیقت و مجاز می‌شود. هر دال، سبب دال دیگر می‌شود و این دال‌ها در نهایت به مدلول نهایی و ثابتی منجر نمی‌شود. بلکه به حقیقتی در پوشش و حجاب مجازها منتهی می‌شود. همین دیدگاه درباره کفر و ایمان هم در تمهیدات وجود دارد. عین‌القضات، هیچکدام از دو قطب کفر و ایمان را نه تنها انکار نمی‌کند، بلکه هر دوی آن‌ها را لازمه سلوک سالک می‌داند. مؤلفه دیگر در متن تمهیدات که از عناصر اصلی شالوده‌شکنی محسوب می‌شود، نفی تقابل‌های دوگانه است که در این متن نمود کاملاً برجسته دارد. تفکر اصلی عین‌القضات درباره وجودشناسی انسان و ابلیس و حضرت رسول، بر پایه نفی تقابل‌های متافیزیکی دوگانه است. وی برتری یک قطب تقابل را بر قطب دیگر تقابل، نفی می‌کند و با مخدوش کردن این برتری، معانی تازه‌ای خلق می‌کند. انگاره دیگر متافیزیک حضور در تمهیدات، مرگ مؤلف است. عین‌القضات بارها مؤکداً در تمهیدات بیان می‌کند که نوشته‌های وی از پیش اندیشیده نیستند بلکه در همان لحظه نگارش به او الهام می‌شود. این نگاه به نگارش و نوشتار از نظر بارت مرگ مؤلف در لحظه نگارش متن است. از آنجایی که مؤلف در هنگام خلق اثر خود، دقیقاً نمی‌داند

که قرار است چه مطالبی را به نگارش درآورد پس معنای ثابت و نهایی هم نمی‌تواند برای نوشته خود، قائل باشد. عین‌القضات با انگاره مرگ مؤلف در آثار خود، راه تأویل و برداشت‌های بیشتر را برای مخاطب و خواننده خود بازمی‌گذارد.

## منابع:

## کتاب‌ها:

- ابراهیمی دینانی، غلامحسین. (۱۳۹۹). عقل مست: تمهیدات عین‌القضات همدانی، به اهتمام احسان ابراهیمی دینانی، اصفهان: میراث کهن.
- احمدی، بابک. (۱۳۷۲). ساختار و تأویل متن، ج دوم، تهران: مرکز.
- اسداللهی، خدابخش. (۱۳۸۸). اندیشه‌های عرفانی عین‌القضات در باب ابلیس، فصلنامه ادبیات عرفانی و اسطوره-شناختی، ش ۱۴، صص ۱۰-۲۵.
- بلخاری قهپی، حسن. (۱۳۹۵). «تمایز میان نور و نار در قرآن و عرفان اسلامی و تأثیر آن بر مفهوم و کارکرد رنگ در نگارگری اسلامی-ایرانی»، پژوهشنامه عرفان، شماره ۱۷، صص ۱۰۵-۸۷.
- پاینده، حسین. (۱۳۸۵). «مرگ مؤلف در نظریه‌های ادبی جدید»، نامه فرهنگستان، صص ۲۶-۴۴.
- سلدن، رمان و پیتر ویدوسون. (۱۳۷۷). راهنمای نظریه ادبی معاصر، ترجمه عباس مخبر، تهران: قصه.
- ضمیران، محمد. (۱۳۸۶). ژاک دریدا و متافیزیک حضور، تهران: انتشارات هرمس.
- راهنما، آذر. (۱۳۹۴). «تأملی در مفهوم هنر و زیبایی در اندیشه دینی و عرفان اسلامی»، دومین کنگره بین‌المللی تفکر و پژوهش دینی.
- شفیعی، فاطمه و دیگران. (۱۳۹۳). «بررسی تجلی رمز نور در معماری اسلامی»، نگارینه هنر اسلامی، شماره ۳، صص ۴۲-۲۴.
- عین‌القضات، عبدالله بن محمد. (۱۳۷۷). تمهیدات، با مقدمه و تصحیح و تحشیه و تعلیق عقیف عسیرا، چ ۵، تهران: منوچهری.
- فدوی، صبا و حمزئیان. (۱۳۹۸). «مبانی هستی‌شناسی عین‌القضات همدانی»، نشریه علمی پژوهشی پژوهش‌های ادب عرفانی گوهر گویا، شماره دوم، پیاپی ۴۱، صص ۲۳-۴۴.
- کالر، جان‌اتان. (۱۳۸۲). نظریه ادبی، ترجمه فرزانه طاهری، تهران: مرکز.
- مکاریک، ایرنا ریما. (۱۳۸۵). دانشنامه نظریه ادبی معاصر، ترجمه مهراں مهاجر و محمد نبوی، تهران: آگه.
- مدرسی، فاطمه و همکاران. (۱۳۹۰). «شطحیات عین‌القضات»، فصلنامه ادبیات عرفانی و اسطوره‌شناختی، ش ۲۵، صص ۱۶۷-۱۹۲.
- میرزایی، نرجس خاتون. (۱۳۹۷). «تأویل آیات قرآن در تمهیدات»، فصلنامه عرفانی و اسطوره‌شناختی، ش ۵۳، صص ۳۵۴-۳۲۱.
- نوریس، کریستوفر. (۱۳۹۷)، شالوه‌شکنی، ترجمه پیام یزدانجو، چ سوم، تهران: نشر مرکز.

Abrams, M.H. (1999). *A Glossary of Literary Terms*, 4<sup>th</sup> ed. Fort Worth: Harcourt  
Brace College pub.

Schleiermacher, F. (1789). *Hermeneutik*, Translated by C. Berner, Paris, cerf.

Tyson, I. (1999). *Critical Theory Today: A User – Friendly Guide*. New York & London  
Garland Publishing, Inc.

Wilson, B. (1990). *Hermeneutical Studies*, Lewiston: The Edwin Mellen Press.